

حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت مالی با نگاهی به صنعت مالی و بانکی کشور



در پی تشکیل شرکت‌های بزرگ و طرح موضوعاتی مهم در رابطه با نحوه اداره آنها در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، مسایل مربوط به تفکیک مالکیت آنها در سطح جهانی مطرح شد. پیدایش مفهوم حاکمیت شرکتی به شکل امروزی به ابتدای دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا مربوط می‌شود که به منظور پاسخ به مشکلات مربوط به کارایی هیات مدیره شرکت‌های بزرگ صورت گرفت.

کتاب "حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت مالی" که انتشارات گپ آن را به چاپ رسانده درشش فصل توسط آقایان دکتر علی حسن زاده، دکتر محمد ابراهیم پورزندی و مهندس علی رضا حلمی تدوین شده است. مطلب با سیر تحول حاکمیت شرکتی آغاز و با بیان اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه مراجع بین‌المللی قانون‌گذار و تعریف مدل‌های حاکمیت شرکتی ادامه می‌یابد. فرایند ارزیابی حاکمیت شرکتی در موسسات مالی و بانکی، ضرورت و مراحل پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر سلامت و فساد مالی کشور مجموع موضوعاتی است که با خواندن این کتاب بر آن احاطه پیدا خواهید کرد.

لازم به ذکر است علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند با شماره ۰۲۱-۶۶۴۳۷۳۳۲-۶ تماس حاصل فرمایند.

جبران می‌کند. اما این باید قانون و فرهنگ‌سازی شود که در آن هم باز نقش دانشگاه بسیار مهم است. اصلاً راهبر دانشگاه بوده است. شک نکنید که اندیشه‌سازی و نظریه‌پردازی و نقد نظریه از دانشگاه بوده است.

بودن به اعتقاد شما، اگر قانون تجارت ما درست شود، این قانون در بازار سرمایه اجرایی خواهد شد؟

قانون تجارت ما باید به قانون شرکت‌ها و قانون تجارت، تفکیک شود، هر چند این دو، مانند دوقلوهای به هم چسبیده‌اند و چک با شرکت مرتبط است، اما نحوه امضای چکی که حاکمیت شرکتی درست کند برای امضا و مهر شرکت و مدیر مالی متفاوت است. من مصداق کوچک آن را عرض می‌کنم. بنابراین فرهنگ‌سازی و قانون مناسب شرکت‌ها در کنار هم می‌توانند اصلاح کنند.

بودن با توجه به اینکه به عنوان حسابرس مستقل در بسیاری از شرکت‌ها حضور داشته‌اید، بزرگترین مشکل اجرایی حاکمیت شرکتی در چیست؟

بیشترین مشکل از درون و ساختار مالکیت می‌آید. به این خاطر که قانون تجارت ما منسوخ است، ساختار مالی دچار مشکل است. اگر در شرکتی، ۲۵ درصد سهم داشته باشید مجمع دوم که بروید و ۴۰ درصد سهامداران حاضر باشند می‌توانید اکثریت هیات مدیره را انتخاب کنید. بنابراین در آنجا به قدرت مطلق تبدیل می‌شوید. قانون تجارت این اجازه را می‌دهد.

مومن زاده: ما می‌گوییم در امریکا چالش مدیران قدرتمند و مالکان ضعیف وجود دارد. اما در اروپا و مثلاً نمونه پارامال در ایتالیا، مسئله مدیران ضعیف و سهامداران و مالکان قدرتمند وجود دارند؛ چون اکثر سهامداران خانوادگی هستند و قدرتمندند. در ایران چه می‌توان گفت؟ ترکیبی از این دو است؟

به طور قطع به دلیل اینکه در آنجا حداقل قانون شرکت‌ها به درستی عمل می‌کند، اما در اینجا قانون تجارت ما دست مدیران را باز می‌گذارد. ماده ۱۵۱ قانون تجارت می‌گوید بازرس قانونی باید تخلف، تفسیر و جرم را به مجمع و حاکم صالح گزارش کند. اما قانون تجارت از ویژگی‌های بازرس تنها به اینکه بازرس قانونی نباید اشخاص مشمول در ماده قانونی ۱۱۱ باشد، مجنون نباشد و از افراد نزدیک به هیات مدیره نباشد، بسنده می‌کند. مثلاً تا ۵ سال پیش بازرس قانونی یکی از بیمارستان‌های معروف تهران، یک پزشک متخصص قلب بود. این یک عنصر نظارتی حاکمیت شرکتی است. مشکل ما قانون تجارت است. مدیر خوب و سهامدار بد در بستر قانونی، شکل می‌گیرد.

مومن زاده: مشکل دیگر اینکه، درک حقوقدانان ما با درک حسابداران و حسابرسان از مسایل حاکمیت شرکتی متفاوت است و ما هنوز به یک تفاهم و تعامل راهگشا نرسیده‌ایم.

حقوقدان‌ها نیز دارند این موضوع را باور می‌کنند. آنها هم سهم خریده‌اند و دیده‌اند که مشکل دارد. ولی از باب نظریه حقوق، حقوق ما بر اساس حقوق نوشتاری است، ریشه‌اش قانون مدنی است، اما حقوق‌دان‌های مجلس که قانون تجارت را در ۲۴ اسفند ۴۷ نوشته‌اند، برای آن زمان تدوین کرده‌اند بنابراین بازنگری در این قانون می‌تواند بسیار راهگشا باشد.